

## رویکرد «دفاع همه‌جانبه» در چارچوب تفکر دفاعی امام<sup>(ه)</sup>

سیداصغر کیوان‌حسینی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۱۶

مسعود درودی<sup>۲</sup>

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱/۲۰

صفحات مقاله: ۹-۲۳

### چکیده

مقاله‌ی «دفاع همه‌جانبه» به چارچوب تحلیلی خاصی در حوزه‌ی تفکر دفاعی حضرت امام<sup>(ه)</sup> اشاره دارد. برای تبیین این رویکرد می‌توان از دیدگاه‌هایی که در زمینه‌ی «سیاست دفاعی» ارائه شده بهره برد؛ با این تفاوت که نگرش ایشان به موضوع مزبور از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. این ویژگی‌ها از یک بُعد به الگوی بسیج منابع نرم و سخت‌افزاری جامعه برای تحقق اهداف کلان امنیتی - دفاعی مربوط می‌شود، و از بُعد دیگر سطوح ملی - فراملی درهم تنیده‌ای را شامل می‌شود که امنیت نظام اسلامی را به امنیت در جهان اسلام و در نهایت به جهان محرومین و مستضعفان پیوند زده و سیر تحلیل را به سوی تفسیر موسعی از سیاست دفاعی هموار می‌نماید.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

سیاست دفاعی، دفاع همه‌جانبه، دفاع فرهنگی، دفاع سیاسی، دفاع اقتصادی، دفاع نظامی

۱ - استادیار رشته روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.  
۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

## مقدمه

در زمینه بررسی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعات به الگوی تبیین دیدگاه‌های حضرت امام<sup>(ره)</sup> و سیره‌ی نظری و عملی وی در فرازهای گوناگون انقلاب مربوط می‌شود. این مهم حداقل از دو نکته ریشه می‌گیرد:

نکته‌ی اول به جایگاه منحصر به فرد ایشان به عنوان فقیهی جامع‌الشرایط و عالم به زمان ارتباط دارد، یعنی آنچه که با زیربنای اعتقادی جامعه‌ی ایرانی و فرهنگ فراملی تشیع در طول تاریخ پیوندی ناگسستنی داشته و در تمامی جریان‌های ضداستبدادی یا استکباری در یک یا دو قرن گذشته از ردپای مشخصی برخوردار بوده است. دومین نکته به نقش وی در روند شکل‌گیری، تداوم و پیروزی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود، پیشینه‌ای که امام<sup>(ره)</sup> را در چهره‌های نظریه‌پرداز انقلاب، فرماندهی انقلاب و در نهایت سیاستمداری در مسند مدیریت نظام اسلامی معرفی می‌نماید. از این زاویه، آرا و نوع رویکرد وی نسبت به موضوعات گوناگون، از مرجعیت سیاسی - اجتماعی خاصی برخوردار شده و مانند سنگ محکی خدشه‌ناپذیر سره را از ناسره جدا می‌کند. اما در این میان، بُعد دفاعی دیدگاه‌های امام<sup>(ره)</sup> با دغدغه‌های پیچیده‌تری همراه است. در واقع، هر چند که ایشان از معدود (و شاید تنها) مرجع دینی در تاریخ معاصر است که در مجموعه‌ی آرای فقهی خود به صراحت از مقوله‌های دفاع و ضروریات آن سخن گفته، اما از آنجا که بیشترین آثار برجای مانده از وی در قالب سخنرانی و پیام‌های کتبی می‌باشد، دستیابی به تحلیلی اصیل و روشنمندانانه از دیدگاه دفاعی ایشان حداقل مستلزم دو گام مهم است: اولین گام به شناخت خطوط راهنمای اندیشه یا الهی - سیاسی امام<sup>(ره)</sup> مربوط می‌شود، اصولی که بر تمامی پیکره‌ی اندیشه‌ورزی ایشان سایه افکنده و آن را به پیش می‌برد. دومین مورد را باید در قابلیت تحلیلی - استنتاجی پژوهشگر پی‌جویی کرد، توانمندی که بر مبنای اصول مزبور می‌کوشد الگوی روش‌شناسانه‌ای را برای آشنایی با دقایق باورهای دفاعی وی معرفی نماید.

با توجه به توضیحات بالا، چارچوب تحلیلی حاضر با این پرسش آغاز می‌شود که:

مقوله‌ی دفاع همه‌جانبه در میان آرای فقهی - سیاسی امام (ع) از چه جایگاه و منزلتی برخوردار است؟ برای پاسخ‌یابی به این پرسش، فرضیه‌ی مورد نظر عبارتست از اینکه: در مجموعه‌ی آرای فقهی - سیاسی حضرت امام (ع)، مبحث «دفاع همه‌جانبه» از جامعیت خاصی در ابعاد زمانی (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)، موضوعی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) و سطوح تحلیلی (ملی / فراملی) برخوردار است.

نوشتار حاضر برای تأمین ابعاد روش‌شناسانه، از روش تحقیق توصیفی - علمی بهره می‌برد. در بعد توصیفی طرح دیدگاه‌های امام (ع) به صورت مستقیم (از منابع مربوط) یا غیرمستقیم (از آثار دیگر نویسندگان) مدنظر است. اما از آنجا که اتکای افراطی به این روش از شالوده‌ی پژوهشی مقاله می‌کاهد، سعی شده است که در کنار رعایت «اصل امانت‌داری» درخصوص سخنان و دیگر آثار ایشان، قواره‌ای نوآورانه و ابتکاری به عنوان «الگوی تبیینی» معرفی شود. این روند در چارچوب یک نظام چند بخشی سازمان‌یافته است. در بخش اول به عنوان «چارچوب نظری»، به نظریه‌ی «سیاست دفاعی» توجه خواهد شد. بخش دوم به طرح اصول حاکم بر آرا و دیدگاه‌های امام (ع) اختصاص یافته و در سومین بخش مقوله‌ی دفاع همه‌جانبه و ضروریات مفهومی و سطوح تحلیلی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱ - چارچوب نظری: نظریه‌ی «سیاست دفاعی»

هرگونه بحث در مورد سیاست دفاعی، از مقوله‌ی دفاع و دفع تهدید ریشه می‌گیرد. بر این مبنا، خطراتی که امنیت و منافع یک واحد ملی را به چالش می‌کشد، در سایه‌ی عمل دفاع به حداقل رسیده و در پی آن آسیب‌پذیری جامعه‌ی مورد نظر کاهش می‌یابد. به این ترتیب، در یک تحلیل ساده سیاست دفاعی را باید مجموعه‌ی

روش‌ها و تدابیری دانست که در جهت دفع یا کاهش پی‌آمدهای حاصل از بروز یک تهدید امنیتی مورد توجه رهبران جامعه قرار گیرد. با این وصف، در چارچوب مکاتب فکری گوناگونی که در مقام تعریف و تبیین نظریه‌ی مزبور (سیاست دفاعی) قرار گرفته‌اند، از زوایای متفاوتی به این معنا توجه شده که حداقل به دو مورد آن می‌توان اشاره داشت. اولین مورد برداشت محدود و مضیق است که سیاست دفاعی را صرفاً در حیطه‌ی رویکرد و اهتمام یک دولت نسبت به مسایل و مقوله‌های نظامی مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس، سیاست مزبور (دفاعی) با «سیاست نظامی» مترادف و مساوی تلقی شده و در کنار دیگر سیاست‌های دولتی مانند سیاست اقتصادی و سیاست آموزشی قرار می‌گیرد. (حسینی، ۱۳۷۱: ۴۵-۵۰) برداشت دوم ریشه در دیدگاه آنانی دارد که همگام با گسترش دامنه‌ی تحلیل امنیت و دفاع از حوزه‌ی نظامی، راهکارهای امنیت‌زایی و دفع تهدید را از طریق اتکای بر تمامی عناصر قدرت ملی مورد توجه قرار می‌دهند. بر مبنای این تفسیر موسع، مواردی چون جنگ اقتصادی، سلاح تبلیغات و جنگ روانی، رقابت‌های علمی و فناورانه، ابزارهای ضروری هستند که در چارچوب فرایندی هماهنگ کننده و انسجام آفرین به سیاست دفاعی یک دولت شکل می‌دهند. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۱۹)

بعد از آشنایی کلی با مقوله‌ی سیاست دفاعی، شایسته است که به نکاتی در این زمینه توجه شود:

نکته‌ی اول، سیاست دفاعی هر دولت از الگوی کلان برداشت آن از مقوله‌ی تهدید یا «راهبرد امنیت ملی» نشأت می‌گیرد. در این ارتباط، مفاهیم دیگری چون «راهبرد دفاعی» و «دکترین دفاعی» معنا می‌یابند. (زه‌دی، ۱۳۸۶: ۱۸) برخی از تحلیلگران راهبرد دفاع ملی را مجموعه‌ای از شیوه‌ها، راهکارها، ابزارها و اقداماتی دانسته‌اند که برای تحقق سیاست دفاعی و دکترین دفاعی تدبیر می‌شوند. در این زمینه، دکترین دفاعی نیز روابط میان ساختارهای سیاسی، سیاست دفاع ملی و راهبرد دفاع ملی را توصیف می‌کند. (صدوقی، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۳) نکته‌ی دوم، در هر نوع سیاست

دفاعی، سطح خاصی از «انتزاع‌گرایی» قابل مشاهده است. بر این مبنا، الگوی برداشت فاعل شناساننده از «ماهیت و شدت تهدید» بر چگونگی مقابله با آن (سیاست دفاعی) و حتی شیوه‌ی مدیریت تهدید تأثیرگذار است. ناگفته نماند که برداشت مزبور تحت تأثیر مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک، ... قرار دارد. نکته‌ی سوم، سیاست دفاعی نسبت به «روندهای فراملی» (منطقه‌ای و بین‌المللی) از حساسیت و تأثیرپذیری خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، بروز تحول در سطح قدرت و منابع آن که به بروز روندهای جدید در صحنه‌ی بین‌المللی منجر می‌شود، الگوی تعامل همکاری/ تنش میان دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و رویکردهای امنیتی بازیگران ملی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این زمینه مؤلفه‌های نرم/ سخت‌افزاری جدیدی برای تأثیرگذاری بر اراده‌ی بازیگر مقابل و کاهش آسیب‌پذیری خود در سطح سیاست‌سازی دفاعی تعبیه خواهد شد. (متقی، ۱۳۸۳: ۴۰)

نکته‌ی چهارم، نظام تعامل میان سیاست دفاعی یک واحد ملی با سطح نفوذپذیری آن از رابطه‌ای معکوس حکایت می‌نماید. به این ترتیب، به هر میزان که تمهیدات و رویکرد دفاعی از جامعیت و فراگیری بالاتری در جهت رویارویی با تهدید یا فشار محیطی برخوردار باشد، میزان آسیب‌پذیری بازیگر مورد نظر نیز با کاهش بیشتری مواجه خواهد شد. این بحث موضوع برنامه‌ریزی دفاعی را با مقوله‌ی «عدم اطمینان» پیوند می‌زند. به این مبنا، همواره مجموعه‌ای نامعین، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی از مؤلفه‌های تأثیرگذار وجود دارند که عقلانیت ناظر بر جریان تصمیم‌سازی دفاعی را در جهت پیش‌بینی آینده با محدودیت خاصی روبرو می‌نماید. به همین دلیل است که به زعم تحلیلگران سیاست دفاعی باید با نوعی انعطاف‌پذیری، قابلیت تطبیق و استحکام ذاتی همراه باشد (Johnson, 2003: 58) نکته‌ی نهایی اینکه سیاست دفاعی دولت‌ها همواره با مفهوم «دیپلماسی دفاعی» ارتباط دارد. این مفهوم به الگویی برای ترکیب شاخص‌های دفاعی با نشانه‌هایی از چانه‌زنی سیاسی، ترغیب و پاداش اشاره دارد. در این مورد آمریکا از جمله دولت‌هایی است که برای کارآمدسازی ساختار دفاعی خود از ابزارهای جانبی دیپلماتیک نیز بهره می‌گیرد. (متقی، ۱۳۸۵: ۱۲)

## ۲ - «دفاع همه جانبه»: نظریه‌ی دفاعی امام<sup>(ه)</sup>

امام<sup>(ه)</sup> را باید از زمره‌ی اندیشه‌ورزان دینی و مصلحان اجتماعی دانست که در قالب نوعی «چند جانبه‌گرایی و جامع‌نگری» درصدد پیشبرد آرمان‌های خویش برآمده بود. این ویژگی قبل از هر چیز محصول و معلول «نظام باورها و اعتقاداتی» است که زمینه‌ی قوام‌بخشی و ارتقای معانی و محتوایی آرمان‌های فکری و الگوی عملی وی را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، آثار نظری و عملی ایشان بویژه در حوزه‌ی امر دفاع را می‌توان به منزله‌ی حالات و عوارضی دانست که بر پیکره و جوهری خاص قرار یافته بود، شالوده‌ای که همان ملکوت آثار مزبور بوده و بر مجموعه‌ای از اصول موضوعه با مبادی تصدیقیه بنا یافته است. عدم توجه مناسب به این محتوا، جدای از بروز نارسایی‌های روش‌شناسانه، می‌تواند با سطوحی از وارونه‌نگری و سطحی‌بینی در فهم و تبیین سیره‌ی کلی امام<sup>(ه)</sup> همراه باشد. بر این مبنا، قبل از پرداختن به دقایق تفکر دفاعی ایشان، شایسته است که به طور اجمال به این شالوده توجه شود.

اصل اول: تکلیف‌گرایی در کنار باور به تلازم انفکاک‌ناپذیر دین و سیاست در جهت تبیین نسبت میان رویکرد دینی امام<sup>(ه)</sup> نسبت به سیاست، به چند محور توجه شده است: تعریف سیاست از منظر دینی، چند بعدی بودن سیاست، توجه به سطوح فرد و جامعه، تأکید بر اصل مصلحت و غایت‌گرایی. (توحیدی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۵)

اصل دوم: باور به «هویت اجتماعی» بر مبنای نوعی عرفان مثبت (شاهجوی، ۱۳۷۹: ۹۴)

اصل سوم: بصیرت و روشن‌بینی بر مبنای مقتضیات زمانی و مکانی. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های روشن‌بینی امام<sup>(ه)</sup> به حوزه‌ی اجتهاد و فقاہت باز می‌گردد. (حجازی، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۲ و قاضی‌زاده، ۱۳۷۶: ۳۵) جلوه‌های دیگر این ویژگی را نیز در سیره‌ی سیاسی ایشان از دوره‌ی قبل از ورود به عرصه‌ی مبارزه و فعالیت‌های اجتماعی می‌توان پیگیری کرد. در این زمینه به مواردی چون حضور در مجلس شورای ملی و استماع و پی‌جویی مباحث رایج در آن؛ برخورداری از مطالعات

تاریخی در مورد تحولات کشورهای اسلامی چون عراق، ترکیه، مصر، لیبی و حتی ممالک غیرمسلمان چون انقلاب روسیه و نهضت رهایی‌بخش هند؛ استفاده از رادیوهای خارجی برای آگاهی از حوادث روز (قادری، ۱۳۷۵: ۸۱)؛ بهره‌گیری از دیدگاه‌های انقلابی رهبران مذهبی مشروطه چون عبدالکریم حائری و محمدتقی خوانساری؛ (استادی، ۱۳۷۰: ۹)؛ ارتباط گسترده با مرحوم مدرس از طریق حضور در جلسات درس یا مجلس؛ (مهدی‌زادگان، ۱۳۷۸: ۱۴۷)؛ رابطه با مرحوم کاشانی در موضوع ملی شدن نفت (امین، ۱۳۷۸: ۱۵۳) توجه شده است. افزون بر موارد بالا، شیوهی رهبری ایشان در دوره‌ی آغاز حرکت انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی آن نیز با قرائن گسترده‌ای در این زمینه همراه است. در این خصوص محورهایی چون تبیین نقش تاریخی روحانیت در تاریخ معاصر و یا پیش‌بینی تحولات شوروی (سابق) در قالب پیام به آخرین رهبر این کشور قابل توجه است.

اصل چهارم: باور انسان‌گرا - عرفانی نسبت به آزادمنشی ابنای بشر که براساس بسترسازی مناسب برای دستیابی تمامی انسان‌ها به مراتب کمال الهی و انسانی قابل حصول خواهد بود. (امام خمینی، چهل حدیث: ۱۸۷-۱۷۹)

بعد از این مقدمه‌ی کوتاه به حوزه‌ی اندیشه‌ورزی دفاعی امام (ع) باز می‌گردیم. اولین مسئله به چارچوب نظری نوشتار حاضر یعنی رابطه‌ی دفاع با مقوله‌های «دفاع تهدید» و «امنیت‌زایی» مربوط می‌شود. بر این مبنا، شالوده‌ی آموزه‌ی دفاعی ایشان نیز به مفهوم «دشمن‌شناسی» باز می‌گردد. می‌توان گفت که در چارچوب تفکر دفاعی امام (ع) پدیده‌ی تهدید و دشمن در یک «نظام عقیدتی - ژئوپلیتیک» معنا و هویت می‌یابد. در بُعد عقیدتی و فقهی، افزون بر تأکید ایشان بر شناخت دشمن و انگیزه‌های آن به عنوان نوعی تکلیف شرعی (صحیفه نور ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۲۱)، می‌توان به جایگاه این معنا در مجموعه‌ی فتاوی وی اشاره داشت. در تحریرالوسیله (صحیفه نور، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸۵) و کشف الاسرار (امام خمینی، بی‌تا: ۲۲۹)، شواهد مهمی در خصوص جهاد ابتدایی قابل مشاهده است. به عنوان نوعی جمع‌بندی می‌توان گفت که از ۳۵ مورد فتوا

بر محور نظریه‌ی دفاع، ۹ مورد به «دفاع جمعی» و الباقی به «دفاع فردی» اختصاص یافته (ایزدپناه، ۱۳۷۹: ۱۰۲-۱۰۱). از زاویه‌ی ژئوپلیتیکی، الگوی تهدیدشناسی در دو سطح ملی یعنی ایران اسلامی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۳۴ و ج ۲۱: ۲۰۲) و فراملی یعنی «جهان اسلام» (منصوری، ۱۳۷۵: ۱۹۱ و ۱۹۷-۱۹۶) و «جهان محرومیت و استضعاف» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱ و ج ۱۲: ۱۲۸ و ج ۱۵: ۱۷ و ج ۱۸: ۱۱-۱۲) قابل تفکیک است.

نکته‌ی بعد اجزای تشکیل دهنده یا چارچوب مفهومی نظریه‌ی دفاع همه‌جانبه را در برمی‌گیرد. براساس الگوی استنتاجی این نوشتار، رویکرد دفاعی امام<sup>(ره)</sup> فراتر از حوزه‌ی امنیتی - نظامی، به عرصه‌های غیرنظامی نیز قابل تسری است. به عبارت دیگر، آموزه‌ی دفاع همه‌جانبه متأثر از اصل جامع‌نگری در کنار بصیرت و روشن‌بینی (به عنوان بخشی از اصول مقوم اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام<sup>(ره)</sup>)، سیاست دفاعی را در قالب تفسیری موسع که تمامی ابعاد حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد، مورد تأکید قرار می‌دهد. بر این مبنا، گستره‌ی مفهومی آموزه‌ی مزبور افزون بر بعد نظامی، حوزه‌های «دفاع فرهنگی»، «دفاع اقتصادی» و «دفاع سیاسی» را شامل خواهد شد. این در شرایطی است که با تزریق مؤلفه‌ی ژئوپلیتیک به چارچوب مزبور، به طور عملی هر یک از سطوح دفاعی در حوزه‌های ملی و فراملی قابل طبقه‌بندی می‌شود.

#### الف) «دفاع فرهنگی» در سطوح ملی و فراملی

با توجه به رویکرد خاص الهی - انسان‌گرایانه‌ی امام<sup>(ره)</sup> نسبت به انسان و جوامع انسانی که پیش از این به عنوان یکی از ارکان زیربنایی مورد توجه قرار گرفت، می‌توان گفت که فرهنگ و مضامین وابسته به آن، جزء بنیادی راهبرد دفاعی ایشان را معرفی می‌نماید (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۳۶-۲۳۷). به زعم وی، بهره‌گیری از این اندوخته‌ی نرم‌افزاری یا منبع نرم‌افزاری قدرت برای دفع تهدید و افزایش امنیت، نیازمند لوازم و شرایط خاصی است. از جمله می‌توان به «ضرورت هماهنگی با پیام‌ها



و سازوکارهای فرهنگ اسلامی»، «پرهیز از قوم‌مداری فرهنگی» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۸۴-۲۸۳) اشاره کرد، که باعث تقویت «هویت» و «خودباوری فرهنگی» خواهد شد. (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۵۵)

در سطح ملی دفاع فرهنگی یعنی آنچه که به ایران اسلامی مربوط می‌شود، اصول خاصی مورد تأکید است:

ضرورت تحقق استقلال فرهنگی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۰ و ج ۱۹: ۸۰)  
 اصل خودباوری و خوداتکایی فرهنگی و علمی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۳۴ و ج ۱۷: ۱۱۰ و ج ۲۱: ۱۹۴)

اهمیت بهره‌گیری و سامان دهی به تمامی ارکان‌های تعلیمی و تبلیغی برای ترویج فرهنگ اسلامی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۱۴۱-۱۴۰ و ج ۱۹: ۱۱۰ و ج ۲۱: ۲۰۲)

این نوع دفاع (فرهنگی) در سطح فراملی نیز با تأکید خاصی همراه است، از جمله در حوزه‌ی جهان اسلامی اصرار بر «تعامل و هماهنگی میان صفوف فرهنگی و روشنفکر» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۱۷ و ج ۱۹: ۱۰۲ و ج ۲۰: ۱۲۳) مورد تأکید قرار دارد. این نوع جهت‌گیری در ارتباط با جهان محرومین و مستضعفین به سوی پافشاری بر مواردی چون «دعوت از مستضعفان جهان برای پذیرش اسلام» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۵۸) و «مأموریت علما و اندیشمندان در سراسر جهان با هدف تحریک جوامع برای مقابله با استیلاطلبی جهانی» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۰۲) به پیش می‌رود.

#### ب) «دفاع اقتصادی» در سطوح ملی و فراملی

مسئله‌ی اقتصاد و ضرورت مقابله با تهدیدهای ملی و فراملی دشمنان در حوزه‌ی اقتصادی، از جمله مواردی است که از اولین گام‌های مبارزاتی امام (ع) قابل شناسایی است (امام خمینی، بی تا: ۱۶). در واقع، تأثیرپذیری تفکر دفاعی ایشان از اصولی چون

«توجه به مقتضیات زمانی» در کنار «انسان‌گرایی»، به مقدمه‌ای برای اهتمام به بعد اقتصاد تبدیل شد؛ چراکه وی انسان را غایت زیربنایی سیاست‌گذاری اقتصادی حکومت اسلامی می‌داند. (صحیفه نور ۱۳۷۸، ج ۹: ۷۶) دفاع اقتصادی در سطح ملی محورهایی چون «استقلال اقتصادی مقدمه‌ای بر استقلال سیاسی»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۶۳-۶۴ و ج ۱۱: ۲۲۲ و ج ۱۷: ۱۷۵-۱۶۹) «ضرورت مقابله با ترفندهای قدرت‌های استکباری در زمینه‌ی چپاول منابع اقتصادی کشور»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۵۳-۱۵۲ و ج ۱۶: ۳۳-۳۴) ... را دربرمی‌گیرد. این معنا در حوزه‌ی جهان اسلام مواردی چون «بهره‌گیری از اجتماع اسلامی چون حج برای افشای توطئه‌های اقتصادی استکبار در جهان اسلام» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۶) و در عرصه‌ی جهان محرومین و مستضعفین نیز به شاخص‌هایی چون «ترویج و تعمیم خودباوری در جهان مستضعفین در زمینه‌ی امکان حصول به خودکفایی اقتصادی» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۹۵-۱۹۳) را دربرمی‌گیرد.

### ج) «دفاع سیاسی» در سطوح ملی و فراملی

دفاع در حیطه‌ی امور سیاسی، به کارکرد نهادهای سیاسی جامعه در جهت تحقق بالاترین ضریب دفع تهدید و امنیت‌زایی اطلاق می‌شود. این مبحث در سطح ملی (ایران اسلامی) اصولی چون «ولایت فقیه مانع اصلی در برابر هر نوع آسیب و تهدید» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۱۸ و ج ۱۷: ۱۳۸ و ج ۱۸: ۱۳۴) و «مردم‌گرایی، ضامن مقابله‌گری با دشمنان» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۹: ۹۸ و ج ۱۶: ۸) را دربرمی‌گیرد. نکته‌ی مهم اینکه دفاع سیاسی در عرصه‌ی ملی، افزون بر حوزه‌ی داخلی، نسبت به محیط خارجی یعنی آنچه که در صحنه‌ی سیاست خارجی تولید و صادر می‌شود نیز قابل تعمیم است. در این ارتباط، ملاک‌هایی چون «پایبندی کامل به حفظ استقلال و آزادی، به عنوان بنیان سیاست در رابطه با بیگانگان» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۷) و «برقراری رابطه با کشورهای

غیرمسلمان براساس میزان دوری آنان از تعدی، پرهیز از اعمال سلطه بر ایران و پذیرش عدالت» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۵ و ج ۱۹: ۲۳۴) را مدنظر قرار می‌دهد. در سطح فراملی، دفاع سیاسی درصدد تبیین خطوط فاصل مشخصی میان جهان اسلام و جهان سلطه است. بر این مبنا تأکیداتی چون «تنها راه آسودگی مسلمانان به حداقل رساندن فاصله خود از مرز قدرت‌های بزرگ جهان است» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۳) و یا «ضرورت ایجاد حکومت بزرگ اسلامی توسط بسیجیان جهان اسلام همراه با هسته‌های مقاومت در برابر شرق و غرب»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۵۳) مطرح می‌شود. در همین سطح تحلیل، امام (ع) جبهه‌ی جهانی محرومین و مستضعفین را به سوی توسل به راهکارهایی چون «قیام ملی در برابر قدرت‌های بزرگ»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۰) توجه به روز قدس و قابلیت‌های آن به عنوان مقدمه‌ای برای تحقق حزب جهانی مستضعفین» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۵۰) فرا می‌خواند.

#### د) «دفاع نظامی» در سطوح ملی و فراملی

توضیحات بالا برای آشنایی با تفکر دفاعی امام (ع) بویژه در چارچوب آموزه‌ی دفاع همه‌جانبه کفایت می‌کند. با این وصف، در جهت تکمیل این نوع تفسیر موسع از سیاست دفاعی، بعد نظامی این رویکرد نیز مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در ابتدا باید به دو نکته اشاره داشت. اولاً مقوله‌ی نظامی‌گری و مسایل مربوط به آن در آثار مکتوب امام (ع) بویژه در دوره‌ی قبل از آغاز فعالیت سیاسی و ورود در صحنه‌ی مبارزه از سابقه‌ی خاصی برخوردار است، چنانچه در کشف اسرار به طور صریح به این مهم اشاره می‌شود. (شیخیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۹۳) اصطلاح «جندی» از جمله مفاهیمی است که ایشان در کتاب ولایت فقیه برای تشریح سیره‌ی ائمه معصومین (ع) استفاده می‌کند. (امام خمینی، بی‌تا: ۱۳-۱۲) ثانیاً مقوله‌ی دفاع نظامی از دیگر بخش‌های تفکر دفاعی امام (ع) است که به طور مستقیم از ارکان فکری ایشان بویژه اصل «تکلیف‌گرایی

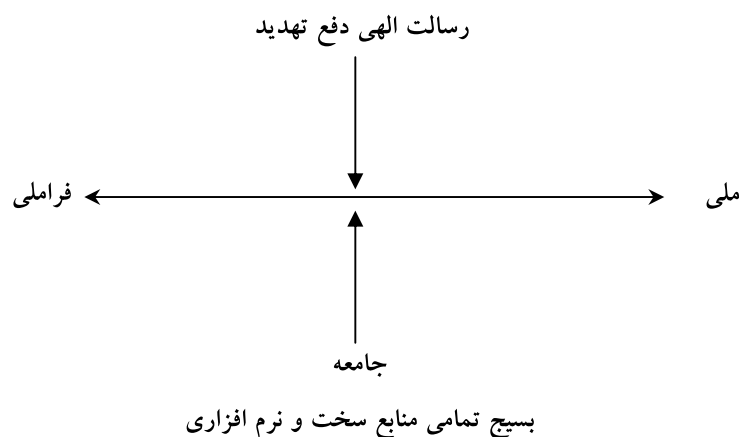
و پابندی به تلازم انفکاک‌ناپذیری دین از سیاست» تأثیر پذیرفته است، چنانکه در تعیین معیار تقسیم انواع نبرد، از «جنگ حق» و «جنگ باطل» سخن می‌گوید. (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۴)

دفاع نظامی در سطح ملی، اصولی چون «ضرورت حضور تمامی اقشار جامعه در صحنه‌ی دفاع از کشور اسلامی همراه با آمادگی دفاعی لازم»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۴۵-۲۴۴ و ج ۱۲: ۴۴ و ج ۱۳: ۱۶۵) «اهتمام خاص به اصل بازدارندگی در جهت خلع سلاح روانی دشمن»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۴۶-۴۴ و ج ۱۳: ۶۰ و ج ۱۹: ۱۰۴) «اهمیت توجه ملت به فواید و ثمرات نبرد»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۹-۱۸ و ج ۱۸: ۱۱۲-۱۱۱) را شامل می‌شود. در سطح فراملی نیز جهان اسلام به مواردی چون «ضرورت تشکیل بسیج در سطح جهان اسلام» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۵۳) دعوت می‌شود. در همین زمینه جبهه‌ی جهانی مستضعفین نیز به سوی اموری چون «هوشیاری نسبت به ابرقدرت‌ها در زمینه‌ی جنگ‌آفرینی میان جوامع» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۵۳) هدایت می‌گردند.

### نتیجه‌گیری

«دفاع همه‌جانبه» از بُعد مفهومی و تحلیلی به بخش خاصی از سیره‌ی نظری و عملی امام<sup>(ره)</sup> اشاره دارد که بر پایه‌ی «دفع تهدید همه‌جانبه از اسلام و نظام اسلامی» معنا و هویت می‌یابد. اما بر مبنای توضیحاتی که در این نوشتار آمد، این رویکرد دفاعی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اولین مورد به نقش‌آفرینی «اصل تکلیف‌گرایی و باور به تلازم انفکاک‌ناپذیری دین و سیاست» مربوط می‌شود. در واقع سطره‌ی این اصل بر پیکره‌ی نظام فکری و رفتاری ایشان باعث شده است که بنیان آموزه‌ی دفاع همه‌جانبه بر «رسالتی الهی در جهت دفع تهدید از اسلام و نظام اسلامی» قرار یابد، شالوده‌ای که در مراحل طرح‌ریزی و اجرای این نوع سیاست دفاعی از اثر

تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. ویژگی دوم به دامنه‌ی بسیج منابع و عرصه‌های مورد نظر برای امنیت آفرینی و دفع تهدید مربوط می‌شود. براساس تفسیر موسعی که رویکرد دفاعی امام (ع) از سیاست دفاعی ارائه می‌دهد، تمامی منابع نرم و سخت‌افزاری جامعه باید در خدمت تحقق اهداف کلان امنیتی - دفاعی قرار داشته باشد و تنها در صورت تحقق این شیوه از بسیج امکانات، زمینه‌ی شکل‌گیری و تعمیق امنیت جامع و فراگیر در سطح کشور اسلامی محقق خواهد شد. ویژگی سوم به درهم تنیدگی سطوح ملی و فراملی این رویکرد دفاعی ارتباط می‌یابد. بر مبنای رویکرد دفاعی امام (ع)، کوشش در جهت تأمین امنیت مطلوب برای جامعه‌ی اسلامی حتی اگر بر مبنای بسیج تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود باشد، بدون توجه به منابع ناامنی و تهدید در سطح فراملی بویژه آنچه که به جهان اسلام مربوط می‌شود، حرکتی ناقص و ابتر خواهد بود. بر این اساس، در چارچوب آرمان دفاع همه‌جانبه سطوح تحلیل ملی و فراملی به هم پیوند خورده و بر پایه‌ی تعاملی پویا و مداوم به پیش می‌رود. در این میان اصل انسان‌گرایی امام (ع) که او را در زمره‌ی مصلحان اجتماعی همراه با نقشی جهانی قرار می‌دهد، دامنه‌ی این پیوند ملی - فراملی را به جوامع غیرمسلمان و در واقع ملت‌های محروم و مستحق هدایت و آزادی تسری می‌بخشد. نمودار زیر برای ترسیم چگونگی ارتباط میان ویژگی‌های مزبور مناسب است:



### منابع

- ۱ - استادی، رضا (۱۳۷۰)، «مشایخ امام خمینی<sup>(ره)</sup>»، کیهان فرهنگی، سال ششم.
- ۲ - امام خمینی، روح الله (۱۳۸۳)، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>.
- ۳ - امام خمینی، روح الله (بی تا)، کشف اسرار، بی جا.
- ۴ - امام خمینی، روح الله (بی تا)، ولایت فقیه، بی جا.
- ۵ - امین، حسن (۱۳۷۸)، «نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران» نامه پژوهش، سال ۳ و ۴، شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۶ - ایزدپناه، عباس (۱۳۷۹)، «اصول و شیوه‌های تحقیق در آثار و اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup>»، ماهنامه حضور، شماره ۳۲.
- ۷ - توحیدی، علی اصغر (۱۳۷۸) قرائت امام خمینی<sup>(ره)</sup> از سیاست، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸ - زهدی، یعقوب (۱۳۸۶)، «مقایسه سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و دکترین دفاعی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ۹ - حجازی، محمدرضا (۱۳۷۵)، «امام خمینی و شرایط اجتهاد لازم و کافی در دنیای کنونی»، ماهنامه حضور، شماره ۱۱.
- ۱۰ - حسینی، حسین (۱۳۷۱)، «سیاست دفاعی، چارچوبی برای تحلیل»، مجله سیاست دفاعی، سال اول، شماره ۱.
- ۱۱ - شاهجویی، محمدمین (۱۳۷۹)، بنیان مرصوص امام خمینی<sup>(ره)</sup> در بیان و بنیان آیت الله جوادی آملی، تهران، اسراء.
- ۱۲ - صدوقی، مرادعلی (پائیز ۱۳۸۲)، «ماهیت و روش شناسی نوین راهبرد دفاع ملی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال اول، شماره ۱.
- ۱۳ - صحیفه نور (۱۳۷۸)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>.

- ۱۴ - قادری، علی (۱۳۷۵)، «امام خمینی (ره) در پنج حوزه معرفت سیاسی»، حضور، شماره ۱۸.
- ۱۵ - قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۵)، «جلوه‌هایی از توجه به زمان و مکان در اجتهادات فقهی امام خمینی»، حضور، شماره ۱۶.
- ۱۶ - متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جنگ‌های جدید و امنیت ملی ج.ا. ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره پنجم.
- ۱۷ - متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، آمریکا، هژمونی شکننده، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- ۱۸ - منصوری، جواد (۱۳۷۵)، سیر تکوین انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۹ - نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران، سنا.
- 20 - Johnson, Stut and others (ed), (2003), New challenges, New Tools for Defense Decision Making, Rand.

